



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۴/۰۲

اسحاق نگارگر

یک نگارش کاملاً تخیلی در باره مذاکرات دولتیان و طالبان!

این نگارش تخیلی است و هیچ ارتباطی با واقعیت ندارد و به همین دلیل هرگونه استنتاج سیاسی و عقیدوی از آن مجاز نیست. خلاصه داستان این که نمایندگان برگزیده دولت با دریشی های مقبول و نکتابی های مقبول تر از دریشی و زنان نیز با روی های باز و سرخی و لبسریں فراوان رهسپار قطر شدند تا با طالبان ملاقات تعارفی بنمایند.

وقتی در میدان طیاره دوحه فرو نشستند دیدند هیچ کس به استقبال شان نیامده است به همین دلیل تکسی ها گرفتند و به محل مذاکرات یا لیلیه طالبان تشریف بُردند که صبح؛ چاشت و شب طالبان در آن به مصرف دولت قطر صبحانه؛ چاشخانه و شبانه نان های مکلف میخورند و از بس مسجد را گرم و گدایان را آسوده یافته بودند ارزو میکردند این مذاکرات صلح سال های دراز باید ادامه یابد زیرا که برای طالبان شکمبار بهشت همین جا بود که خوردنی ها و نوشیدنی های رنگارنگ داشت. طالبان نمیخواستند که همانند جد خود آدم(ع) و جدّه خود بی بی حوا میوه ممنوعه «مذاکرات صلح» بخورند و از این بهشت زیبا بیرون انداخته شوند. تاکتیک های شان برای دوام این حالت دست یافتن به انواع گوناگون ایراد های بنی اسرائیلی بود. قصه کوتاه که دولتیان باکف و کالر و خانم های عضو هیأت نیز با روی های باز وارد سالون مذاکرات شدند. طالبان که همانند فرشته های عذاب چین برجبین و سرکه در آستین داشتند با دیدن دولتیان هفت؛ هشت بار لاجول و لا قوه الا بالله خواندند و ده دوازده بار نیز استغفرالله گفتند و صاف و ساده گفتند:

ما که این هیأت را به رسمیت نمی شناسیم. این ها که در روزگار «امارت اسلامی هرکدام به سایز یک شیشه هریکین ریش داشتند و لنگی های اسلامی پوشیده بودند. اینک پوشاک اسلامی را رها کرده و لباس های کفری را در بر کرده اند. اینان از آغوش اسلام به آغوش کفر رفته اند و هر کدام باید هشتاد؛ هشتاد دره زده شوند. حیف که دُرّه امارت در اینجا نیست و اگر می بود فی المجلس به اینان می فهمانیدیم که یک من آرد چند فطیر میشود.

یکی از کارکنان وزارت سابق امر بالمعروف و نهی عن المنکر دامن بالا زد و دُرّه را از دور کمرباز کرد و گفت:

«ما که بدون این دُرّه امارت اسلامی خواب نمی برد.» با دیدن دُرّه رنگ از رخ دولتیان پرید و یکی به سوی دیگر دیدند. زنان هیأت که به حکم حیا و رعایت فرهنگ طالبانی به دنبال هیأت راه می رفتند و اتفاقاً بوتهای سفید هم به پا داشتند بدون چادری و یا حتی چادر دستکول ها برشان خرامان وارد سالون شدند و طالبان بادیان بادیان انان استغفار های دیگر خواندند و گفتند: «دیدن زنان مسلمان بدین حالت سبب سوختن صد سال نوری در جهنم میشود. اینان از یاد بُرده اند که ما در روزگار امارت خود زنانی را که حُرمت بیرق امارت رانگاه نمیداشتند و بوت های سفید می پوشیدند زیر دُرّه می انداختیم. اصولاً اینان را به کار مردان چه غرض اینان برونندو «وزیران داخله خانه های خود بشوند.» امکان داشت که در همانجا به شیوه افغانی کار به مشمت و لگد بکشد که مقامات قطری مداخله مثبت نمودند و دولتیان را پیش از آنکه کار به جا های باریک بکشد با آب و پرده پس به کابل فرستادند و از بخت بد افغانها مذاکرات اصلاً صورت نگرفت و موضوع به تأخیر افتاد تا مردم از خواب زمستانی بیدار شوند و همه را تحویل محکمه بین المللی هاگ بنمایند که به تخلف های فراوان خود از حقوق بشر پاسخ بدهند.

والله اعلم بالصواب.

نگارگر اول اپریل ۲۰۲۰ برمنگهم